قتل شوهر برای رسیدن به کرسی مجلس

■ آرمین بینا

زن میانسال که برای رسیدن به کرسی مجلس از رقبایش شکست خورده‌بود، برای سحر و جادو به دو برادر رمال مراجعه کرد، اما آنها برای شکستن طلسم، نسخه قتل شوهرش را پیچیدند. متهم در حالی جرم خود را انکار می‌کند و مدعی است شوهرش ناپدید شده‌است که دو برادر رمال اعتراف کرده‌اند او مردی را برای قتل شوهرش اجیر کرده‌بود.

اوایل بهار امسال زنی همراه برادر شوهرش در تهران به اداره پلیس رفت و اعلام کرد همسرش به نام حسام به طرز مشکوکی ناپدید شده‌است.

وی در توضیح ماجرا گفت: «همسرم در کار خرید و فروش خودروهای خارجی، زمین و خانه فعالیت و وضع مالی خوبی دارد. او روز قبل مثل همیشه برای کار از خانه بیرون رفت، اما دیگر بازنگشت. احتمال دادم برای کاری بیرون از تهران رفته‌باشد و شام هم منتظرش بودیم، اما خبری از او نشد. نگرانش شدم و با تلفن همراهش تماس گرفتم، خاموش بود. به سراغ خانواده شوهرم رفتم و موضوع گم شدن حسام را به آنها گفتم و الان همراه برادرشوهرم به اداره پلیس آمدیم تا همسرم را پیدا کنید. تصور می‌کنم برای شوهرم اتفاقی رخ داده‌است، چون سابقه نداشته او بدون خبر به ما به مسافرت یا جایی برود. از طرفی هم همسرم با کسی اختلافی نداشت و نمی‌دانم چه حادثه‌ای برای او افتاده است.»

■ **۸ ماه بعد**

با شکایت زن میانسال، تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی برای پیدا کردن ردی از مرد گمشده وارد عمل شدند. بررسی‌ها نشان مرد پولدار روز حادثه با خودرویش از خانه‌اش در یکی از خیابان‌های شمالی تهران بیرون آمده و داخل تهران به طرز مشکوکی ناپدید شده‌است. تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، اما مأموران هیچ سرنخی از حسام پیدا نکردند تا اینکه هشت ماه بعد از حادثه در تحقیقات میدانی دریافتند مرد گمشده از مدتی قبل با همسرش ثریا اختلاف پیدا می‌کند، به طوری که بارها با هم درگیری و مشاجره داشته‌اند. گفته‌های بستگان مرد گمشده حکایت از آن داشت ثریا همیشه می‌گفته که تمام مال و اموال متعلق به اوست و مدعی بوده شوهرش به واسطه خانواده او پیشرفت مالی کرده‌است و باید حسام تمامی سرمایه‌اش را به نام او بزند و بعد هم او را طلاق بدهد، اما حسام زیر بار نمی‌رفته و می‌گفته اموالش دسترنج خودش است.

مأموران دریافتند اختلاف مالی آنها ادامه داشته و حسام هم هیچ یک از اموالش را به نام همسرش نزده و ثریا هم چند باری او را تهدید به مرگ کرده و گفته به هر طریقی شده اموالش را از او پس می‌گیرد. با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران به ثریا مشکوک شدند و احتمال دادند او از سرنوشت شوهرش با خبر است و به دستور بازپرس جنایی وی را بازداشت کردند. زن میانسال در بازجویی‌ها اظهار بی‌گناهی کرد و مدعی شد با شوهرش اختلاف داشته اما قصد جدایی نداشته و الان هم در جریان سرنوشت او نیست و نگرانش است.

■ **برادران رمال**

در حالی که متهم جرم خود را انکار می‌کرد، کارآگاهان در بررسی‌های فنی متوجه شدند ثریا چند سال قبل کاندیدای مجلس شورای اسلامی می‌شود و برای اینکه در رقابت انتخاباتی پیروز شود، از طریق یکی از دوستانش به دو برادر رمال معرفی می‌شود تا با نسخه جادوگری آنها راهی مجلس شود و بر یکی از کرسی‌های مجلس تکیه زند. بنابراین ثریا بارها به دو برادر رمال مراجعه می‌کند و هر بار هم با پرداخت مبلغ کلانی دست به دامن سحر و جادوی آنها می‌شود، اما در نهایت موفق به راهیابی به مجلس نمی‌شود. پس از این شکست، وی چند بار دیگر به خانه دو برادر رمال می‌رود و به آنها اعتراض می‌کند که چرا نسخه آنها نتیجه‌ای نداده و او در جریان انتخابات مجلس از رقبایش شکست خورده‌است و دو برادر رمال هم مدعی شده‌اند او از طریق شوهرش طلسم شده‌است.

مأموران پلیس در ادامه چند روز قبل دو برادر رمال را هم بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. دو متهم در بازجویی‌ها اعتراف کردند که زن میانسال از آنها خواسته جان شوهرش را بگیرند، اما آنها قبول نکردند. یکی از متهمان گفت: «من و برادرم رمال هستیم، چند سال قبل ثریا پیش ما آمد و گفت می‌خواهد کاندیدای مجلس شود و از ما خواست با سحر و جادو به او کمک کنیم بر رقبایش پیروز شود. او دستمزد خوبی به ما داد و ما هم تلاش زیادی کردیم با سحر و جادو او را راهی مجلس کنیم، اما نسخه‌های ما نتیجه‌ای نداد و او موفق به رفتن به مجلس نشد. ثریا خیلی ناراحت و مدعی بود او را جادو کرده‌اند و طلسم شده و به همین دلیل هم نتوانسته به مجلس برود. از طرفی در این مدت که با ما رفت و آمد داشت، فهمیده بودیم با شوهرش اختلاف زیادی دارد و می‌گفت شوهرش او را طلسم کرده‌است، چون به او حسادت می‌کند. ما هم گفته‌های او را تأیید کردیم و به او پیشنهاد دادیم برای اینکه طلسمش باطل شود باید یا از همسرش جدا شود یا اینکه او را به قتل برساند. وقتی این نسخه را برای او پیچیدیم، از ما خواست شوهرش را از میان برداریم و پول زیادی هم به ما داد و ما هم وسوسه شدیم و قبول کردیم، اما مدتی بعد ترسیدیم و پشیمان شدیم و احتمال دادیم دست ما رو می‌شود و بعد هم دستگیر و قصاص می‌شویم، به همین دلیل به او گفتیم اگر او را ما به قتل برسانیم، سحر و جادوی ما اثری نمی‌کند و طلسمش باطل نمی‌شود و باید او فرد دیگری را برای قتل اجیر کند. ثریا قبول کرد و بعد به ما گفت که فرد دیگری را برای قتل اجیر کرده و شوهرش را به قتل رسانده‌است.»

دکتر تقی جباری‌فر، استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه یزد:

رئیس‌جمهور ارتقای فرهنگ رانندگی را عمل جراحی بداند

■ حسین فصیحی

دکتر تقی جباری‌فر، استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه یزد از فعالان فرهنگ پیشگیری از سوانح رانندگی کشور است. او وقتی خواهرش در جریان یک سانحه رانندگی در اصفهان مصدوم و بعد از آن فوت شد، تلاش‌های علمی و عملی خود را برای ارتقای فرهنگ رانندگی به کار گرفته است. با این حال از رئیس‌جمهور و مسئولانی که در حوزه تصمیم‌گیری دخالت دارند، درخواست دارد این کار را جراحی بزرگ بدانند و دلشان برای ارتقای فرهنگ رانندگی در کشور بتپد. گفت‌وگوی ما با دکتر جباری‌فر درباره تلاش‌های صورت گرفته و هزارراه پیش‌رو را بخوانید.

آقای دکتر، شما تلاش‌های بسیاری برای ارتقای فرهنگ رانندگی انجام داده‌اید. چه شد که تصمیم به این کار گرفتید؟

حدود ۱۰ سال قبل خواهرم در حالی که مادری ۳۸ ساله بود، در میدان جمهوری اصفهان در حال عبور از عرض خیابان در جریان سانحه رانندگی مصدوم شد، به‌طوری که مجبور شد تا زمان فوت روی ویلچر بنشیند. اگر بخواهیم از حافظ الهام بگیریم باید بگویم «دردهایی چشیده‌ایم که مپرس»، به‌طوری که به جایی رسیدیم که وقتی از او سوال می‌کردیم، درد چیست، جواب می‌داد همه دردهایی را که در دنیا بوده، کشیده‌ام.

زمانی که خواهرتان دچار حادثه شدند وضعیت جراحت‌های وارد شده چگونه بود و خانواده با چه معضلاتی مواجه بودند؟

وقتی خواهرم به بیمارستان منتقل شد، تلاش پزشکان برای درمان او به جریان افتاد، اما او شش ماه در کما و ضربه مغزی شده بود. بنابراین برای نجاتش تمام تلاش خود را به کار گرفتیم تا اینکه بعد از حدود هشت ماه به هوش آمد. استخوان‌ها به نحوی جوش خورده بود که نمی‌توانست حتی روی ویلچر بنشیند. خواهرم در آن سن پنج فرزند شامل یک پسر و چهار دختر نوجوان داشت که وقتی کنار تخت مادر قرار می‌گرفتند، طبیعتاً متأثر از این اتفاق می‌شدند. این حادثه خانواده و اقتصاد خانواده را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. البته الان که با شما صحبت و به این موضوع فکر می‌کنم، یاد سختی‌هایی که خواهرم به واسطه این سانحه متحمل شد، می‌افتم و هنوز این موضوع برایم دردآور است.

به این موضوع از این جهت اشاره می‌کنم که شهروندان در نظر داشته باشند وقوع یک سانحه پیامدهایی به همراه دارد که اگر به آن توجه شود این امکان وجود دارد در وقوع سوانح بازدارندگی داشته باشد.

بله، همین‌طور است. تصادف‌ها برای همه کسانی که درگیر سانحه می‌شوند دردآور است، خصوصاً اینکه مادر خانواده متأثر از حادثه باشد؛ مادری که از خانواده، خصوصاً فرزندان مراقبت می‌کند و به ناگاه خود نیازمند مراقبت می‌شود. با این حال نمی‌شود حق مطلب را در مورد آسیب‌ها و سختی‌هایی که خواهرم به واسطه این سانحه متحمل شد، ادا کنم. اینکه یک مادر ۱۰ سال از زندگی خود را با آسیب‌های ناشی از این سانحه سپری و بعد هم فوت کند. با این حال فرزندان او، به‌خصوص دختران در مراقبت از مادرشان فداکاری کردند و من همواره قدردان تلاش‌های آنها بودم. آسیب‌هایی که خواهرم متحمل شد از زمان بروز حادثه تا زمان فوت برایم حائز اهمیت شد و مورد توجه قرار گرفت، به‌گونه‌ای که تصمیم گرفتم در این باره تلاش عملی برای کاهش سوانح رانندگی صورت دهم. بنابراین این موضوع را از دانشگاه یزد شروع کردم.

واکنش دانشگاه چطور بود؟

نگرش رؤسای دانشگاه و دانشکده‌ها به این سمت نبود که ما می‌خواهیم چه کنیم. با این حال رؤسایی مثل آقایان دکتر اولیا و فرید لقمانی از این موضوع پشتیبانی کردند. ما این موضوع را به صورت متمرکز از گروه به الگوی تربیتی شروع کردیم که قصد داریم همایشی ملی در زمینه‌ای برگزار کنیم که فرهنگ رانندگی در شهر یزد توسعه یابد و از آنجا به سراسر کشور تسری پیدا کند. این موضوع از سوی آقای دکتر نجاری، رئیس دانشکده و اکثر اعضای هیئت علمی گروه تربیتی از جمله آقای دکتر رضایی تصویب و در شورای دانشگاه مطرح شد و من به عنوان دبیر «همایش ملی فرهنگ رانندگی» در کشور تعیین شدم و اولین همایش فرهنگ رانندگی در دانشگاه یزد برگزار شد. بعد از انجام سازوکارهای اولیه برای همایش فراخوان دادیم و همایش ملی دو روز برگزار شد. در گروه علوم تربیتی و اعضای هیئت علمی، مسئولیت‌هایی برای بررسی مقالات و پشتیبانی برای برگزاری عهده‌دار شدند و همایش با اقبال خوبی برگزار شد.

برآیند همایش چه بود؟

ما از نیروی انتظامی، شهرداری‌ها و وزارت راه این موضوع را مطالبه کردیم که نیازهایی را که منجر به کاهش سوانح جاده‌ای می‌شود، مورد توجه قرار دهند. در اصفهان تحریریه‌ای تشکیل دادیم و محتواهای آموزشی در این باره تهیه کردیم و از وزارت آموزش و پرورش خواسته شد این موضوع در متون درسی مورد توجه قرار گیرد و امروز بعد از سال‌ها متوجه شدیم که این موضوع برایشان اهمیت نداشت. خواستیم همانند کشورهای پیشرفته این موضوع مورد توجه آموزش و پرورش قرار گیرد و خانواده‌ها هم تحت آموزش قرار گیرند، اما متأسفانه در این زمینه موفق نبودیم. این هم بگویم که همایش بسیار هزینه‌بر بود، علاوه بر دانشگاه از ارگان‌ها و سازمان‌ها درخواست کمک کردیم و تا مدتی بعد از همایش نیز درگیر پرداخت هزینه‌ها بودیم تا از جایی پرداخت شود. با این حال دست از تلاش برنداشتیم و به ارتباط خود با مدیران سازمان‌های انتظامی و شهری از جمله شهرداری و شورای شهر اصفهان ادامه می‌دهیم، اما کارهایمان در اصفهان نیمه‌تمام مانده است. در دانشگاه ادیان قم هم این موضوع را با قائم‌مقام دانشگاه با برگزاری جلساتی با مدیران شهری و فرهنگی شهرستان قم دنبال می‌کنیم.

شما برای پیشگیری از بروز سوانح مطالعات تطبیقی با کشورهای پیشرفته صورت داده‌اید. مهم‌ترین دشواری با در نظر گرفتن این مطالعات چه بوده است؟

ما در زبان انگلیسی کلماتی تحت عناوین duty و responsibility داریم. یکی وظیفه است و دیگری مسئولیت. من به عنوان یک معلم دانشگاه مسئولیتی را انتخاب کرده‌ام که باید خوب انجام دهم. نمی‌توانم دست خالی سر کلاس بروم. وقتی دانشجو سؤال می‌کند، نمی‌توانم بگویم چرا سؤال می‌کنی. وظیفه آموزش و پرورش و مسئولیت جامعه‌شناسی ما ایجاب می‌کند آموزش دهیم. پدر و مادر در دوره ابتدایی فرزندان خود را با جان و دل تحویل آموزش و پروش می‌دهند که آینده آنها را درخشان‌تر از خودشان رقم بزنند. حالا سؤال این است که چرا آموزش و پرورش وظیفه خود را به درستی انجام نمی‌دهد؟ چرا پیش‌دانشگاهی را برداشتند؟ چرا خوب تحقیق انجام نگرفت که یک نمایند مجلس نمی‌تواند نسلی را فدا کند که چه شود؟ باید بدانیم کشورهای پیشرفته در این باره تحقیق می‌کنند. بدون آگاهی نمی‌شود پیشرفت کشور را در نظر گرفت یا جامعه را اصلاح کرد. چشم‌انداز صفر (Vision Zero) ۲۵ سال است که در حال اجراست. در شهر بزرگی مثل نیویورک دو ماه قبل جشنی برگزار شد که موفق شدند بعد از ۹ سال آمار تصادف‌های شهری‌شان را بین ۶۸ شهر بزرگ امریکا ۳۰ درصد کاهش دهند. اما اینجا می‌بینیم تعداد تلفات رانندگی ما به اندازه جمعیت یک شهر است. حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا مسئولان کشور ما به خودشان نمی‌آیند؟ آیا کشورهای پیشرفته هم همین‌طور فکر می‌کنند؟ برای آنها یک تصادف خیلی زیاد است. ما در جامعه پذیرفته‌ایم انسان دچار خطا می‌شود، آنها هم همین را پذیرفته‌اند، اما قبول کرده‌اند که باید جلوی اشتباه را بگیریم و ببینیم اشتباه مربوط به راننده، خودرو یا جاده است. راننده آیا تحت نفوذ عواملی بوده که رانندگی کرده و جان خود و دیگران را به خطر انداخته یا دلایل دیگری داشته است؟ به قانون احترام می‌گذارند، به خاطر همین وقتی رهگذری وارد خیابان می‌شود، رانندگان توقف می‌کنند، اما در خیابان‌ها ما شاهدیم رانندگان در چنین موقعیتی سرعت‌شان را زیادتر می‌کنند و به طرف می‌زنند و در مواردی هم فرار می‌کنند. ما در نظام آموزش خوب عمل نکرده‌ایم.

> **از رئیس‌جمهور که همسرش را در جریان سانحه رانندگی از دست داده، خواهش می‌کنم این کار را عمل جراحی بداند، جراحی که دردآور است. من و همکارانم وقتمان را به این کار اختصاص داده‌ایم و از رئیس‌جمهور درخواست داریم به این کار بها و به ما فرصت بدهند. دیگر مسئولان هم اگر جلسه‌ای تشکیل شد و نتیجه‌اش را دنبال کردیم، نگویند ما یک چیز گفتیم، چرا دنبال می‌کنید**

قرار بود در همایش شما مدعوینی از دانشگاه‌های هلند و فرانسه شرکت داشته باشند. در این باره هم توضیح دهید.

کشور هلند، روانشناس ترافیک دارد. آنها و تیمی از دانشگاه لیل فرانسه با حدود ۱۱۰ هزار دانشجو و ۷۰۰ سال قدمت قبل از حضور در همایش به ایران آمدند و آگاهانه در تهران، قم، اصفهان و یزد رانندگی کرده بودند و ما از این موضوع خبر نداشتیم.

آورده میهمانان خارجی چه بود؟

ما قصد داشتیم با آنها قراردادی برای بهبود وضعیت فعلی تنظیم کنیم، اما قبل از برگزاری همایش با هزینه خود به ایران آمدند و وضعیت ما را بررسی کردند و رفتند. خیلی زیرکانه به فرودگاه امام آمدند. یک خودروی ال‌نود کرایه و در شهرهای ما رانندگی کردند و به دانشگاه یزد آمدند. بعد از آن جلسه می‌خواستند به شیراز بروند. وقتی برای خداحافظی آنها را تا مقابل دانشگاه بدرقه کردیم، دیدیم با خودروی ال‌نود آمده‌اند. گفتند در جاده‌های شما رانندگی کردیم. چیز بیشتری نگفتند و به شیراز و اصفهان رفتند و زمانی که به کشورشان برگشتند، نامه‌ای نوشتند که وقتی در جاده‌های شما رانندگی کردیم به ما شوک وارد شد و خدا را شکر می‌کنیم در جاده‌های شما کشته نشدیم. قرار بود آنها بروند و بعد در همایش ما شرکت کنند، اما رفتند و دیگر برنگشتند.

گویا شما هم به آن دانشگاه‌ها رفتید، چه موضوعاتی آنجا به اشتراک گذاشته شد؟

مدتی بعد دعوتنامه‌ای از گروه علوم تربیتی دانشگاه لایدن و لیل ارسال کردند و ما به دعوت آنها به هلند رفتیم. آنها برنامه‌ریزی بسیار دقیقی تنظیم کرده بودند. موضوعات فرهنگ رانندگی، جاده و اتومبیل به اشتراک گذاشته شد. مثلت رانندگی که در رأس آن راننده و در دو ضلع دیگر، جاده و اتومبیل قرار دارد و داخل مثلث محیط و جامعه است که در آنچه می‌گذرد. بنابراین آنها علاوه بر سه ضلع، درون جامعه هم فعال هستند و در این زمانه کار می‌کنند.

آنها ما را به قبرستان خودروهایشان بردند و آنجا را به ما نشان دادند. خودروهایی که بعد از ۱۲۰ هزار کیلومتر تحویل داده بودند تا خودروی صفر تحویل بگیرند. جاده‌هایشان را دیدیم که امنیت داشت. راننده‌ها قانونمند بودند و از نمره منفی می‌ترسیدند و اگر راننده خودرویش توقیف شود، به شدت به دردسر می‌افتد، برای همین سال‌هاست روی این دانش‌آموز کار کرده‌اند و نتیجه آن را می‌بینند.

به نظرتان این موضوع در ایران هم ممکن است؟

بله، ما هم می‌توانیم. آنها بارها قسم خورده‌اند اگر ایرانی‌ها بخواهند همین کار را انجام دهند، برایشان کاری ندارد. ما خودمان و مسئولان کشورمان باید دلمان به حال خودمان و مردم‌مان بسوزد. از کار کردن نهراسیم و نترسیم. نباید بگوییم نمی‌توانیم. چرا آنها توانستند، ما آنجا در جلسه‌های بسیار سازماندهی‌شده‌ای شرکت کردیم و در مسائل فرهنگی و آموزشی حضور داشتیم. باورشان این است قبل از اینکه کودک وارد فضای آموزش رسمی شود، خانواده با بچه کار کند و بعد وارد کلاس اول ابتدایی و بعد به مقاطع بالاتر برود. دانش‌آموزی که آنجا فارغ‌التحصیل می‌شود خیلی مهارت دیده‌است و قابل مقایسه با دانش‌آموزی که در ایران درس می‌خواند، نیست. ما دبیرستان مهارت‌آموزی ایجاد کردیم، اما موفق نبودیم. برای همین وقتی یک نظام آموزشی که بر پایه محکم استوار نباشد، یک نماینده می‌آید و پیش‌دانشگاهی را برمی‌دارد و می‌گوید کتب درسی جدید چنین تحریر شود و معلم چنین تدریس کند. معلوم است ما برنامه نداریم و آنها می‌گویند این چه کاری است که شما می‌کنید! تغییر نظام آموزشی دردسرساز و هزینه‌بر است و جای تأمل دارد که چرا تحقیقات بیشتری انجام نمی‌شود. بنابراین برای نظام آموزشی و تربیت و کارورزی دانشجو و دانش‌آموز تحقیق نمی‌شود و این پرسش مطرح است که آیا براساس نیاز جامعه تربیت می‌کنیم؟ مثلاً ما دانشگاه فرهنگیان ایجاد کردیم که آزمون ورودی دارد، اما آزمون خروجی ندارد. به دانشجوی فرهنگیان حقوق می‌دهند که اشتباه است، دانشجویی که تازه وارد فضای آموزشی شده، برایش حکم بزنند. هیچ جای جهان این رسم نیست.

در هلند هم رانندگی کردید؟

خیر، در هلند بیشتر مردم دوچرخه‌سوار بودند. از استادی که با کت و شلوار به استقبال ما آمده بود، سؤال کردم خودرویت را کجا پارک کردی و دنبال خودروی او بودم که دوچرخه‌ای نشان داد و گفت ۶ کیلومتر رکاب زده است. آنجا حرف اول را مدیریت می‌زند. مدیریت باید دانش و تجربه داشته باشد. همکاری و انجام کار، مسائلی است که در رده دوم قرار دارد. اینها اصول مدیریت است که خیلی دقیق هستند. موفقیت برای یک جامعه ارزان نیست. از مدیران درخواست داریم به ما برنامه بدهند. برای ارتقای فرهنگ رانندگی به ما میدان بدهند. جالب است که بدانید امروز برای ارتقای فرهنگ رانندگی گروه پزشکان متخصص و فوق‌تخصص با هم همکاری می‌کنند. آنها به ما میدان و بودجه بدهند، بعد ببینند که چه می‌کنیم.

صحبت پایانی.

آخرین جلسه ما چند روز قبل در دانشگاه ادیان قم بود. مسئولان استان را قسم دادم به حضرت معصومه(س) که دلشان برای ساماندهی فرهنگ رانندگی در ایران بتپد. از رئیس‌جمهور که همسرش را در جریان سانحه رانندگی از دست داده، خواهش می‌کنم این کار را عمل جراحی بداند، جراحی که دردآور است. من و همکارانم وقتمان را به این کار اختصاص داده‌ایم و از رئیس‌جمهور درخواست داریم به این کار بها و به ما فرصت بدهند. دیگر مسئولان هم اگر جلسه‌ای تشکیل شد و نتیجه‌اش را دنبال کردیم، نگویند ما یک چیز گفتیم، چرا دنبال می‌کنید.

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۱۲۰۰۱۰۱۱۴۴۵ ورای اصلاحی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۹۳۱۹ هیات موضوع تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۳۹۹۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۵۹۵ تقاضای حسین علی اکبری به شماره شناسنامه ۲۱۹۹ کدملی ۲۱۲۲۵۷۱۵۵۱ صادره ازگرگان فرزند محمد اسمعیل واقع دراراضی قلعه حسن درششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که یک ونیم دانگ عرصه ان وقف است به مساحت ۶۰ مترمربع ازپلاک شماره ۱۳۷۰۶ فرعی از ۱۲اصلی بخش ۴ حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت ازانتقال ازمالک رسمی دارد، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، در صورتی که شخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند.

شناسه آگهی: ۱۸۱۳۰۹۳
تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۸/۵
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۸/۲۰

مهدی شاه مهری
سرپرست اداره ثبت اسناد واملاک منطقه یک گرگان

((آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی))

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای ۱۴۰۳۶۰۳۱۰۰۱۳۰۰۴۹۴۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ هیات قانون تعیین تکلیف؛ موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی چمستان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای / خانم رامین علوی تفرشی فرزند سید تقی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با کاربری زراعی به مساحت ۳۰۵,۰۰ متر مربع به شماره پلاک ۳۳۶ فرعی از ۲۴ اصلی واقع در قریه مرداب بخش ۱۱ خریداری شده از آقای و خانم آرزو قیطانچی ماشینی مالک رسمی محرز گردیده است؛ لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضیعت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی / سراسری در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۸/۵
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۸/۱۹
شناسه آگهی: ۱۸۱۳۱۰۷

عین اله تیموری
رییس اداره ثبت اسناد واملاک چمستان

آگهی مزایده اموال غیر منقول (اسناد ذمه)

شماره مزایده: ۱۴۰۳۰۴۳۱۰۳۷۸۰۰۰۰۱۳ به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۱۴۰۳۰۰۰۱۷ – شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ششصد و سیزده متر و شصت دسیمتر مربع (۶۱۳,۶۰ متر مربع) به شماره پلاک ثبتی چهل و نه فرعی از سی و سه اصلی بخش یازده واقع در قریه کرد آباد، ثبت چمستان که سند آن به نام محمد عقبائی اندرابی ثبت و صادر شده؛ نشانی پلاک مزبور واقع در شهر چمستان قریه کرد آباد خیابان شهید سلیمانی سوردار ۴ پلاک ۱۸ کد پستی ۵۸۰۴۱ - ۴۶۴۳۱ می باشد؛ حدود اربعه شمالا: دیواریست بطول ۱۲,۷۵ متر به متصرفی جمارونی شرقا: در ۷ قسمت که قسمتهای چهارم و پنجم و ششم آن شمالی است اول به دیوار بطول ۲۳ متر به متصرفی یاحقی دوم دیواریست بطول ۶,۵۰ متر به متصرفی یاحقی، سوم دیواریست بطول ۱,۲۰ متر به متصرفی یاحقی چهارم دیواریست بطول ۱۸ متر به متصرفی یاحقی پنجم دیواریست بطول ۳,۴۰ متر به متصرفی یاحقی ششم بدیوار بطول ۱,۵۰ متر به متصرفی یاحقی هفتم درب و دیواریست بطول ۳,۶۰ متر به کوچه جنوبا در دو قسمت اول فنس بطول ۲۷,۵۰ متر به متصرفی نعمت اله صیقل دوم بدیوار بطول ۹,۷۰ متر به متصرفی نعمت اله صیقل، غربا: در دو قسمت اول دیواریست بطول ۲۱,۶۰ متر به متصرفی حسن زلفی دیواریست بطول ۱۴,۲۰ متر به متصرفی جبار خراط. در اجرای ماده ۱۴۷ اصلاحی قانون ثبت نام نعمت اله صیقل ثبت و صادر گردیده است. در محدوده عرصه پلاک فوق یک دستگاه ساختمان کف کرسی به مساحت تقریبی ۸۰ متر مربع با سقف شیروانی از حلب و با یک هال و پذیرائی و دو اتاق خواب، کف سیمان درب ورودی و پنجره ها آلومینیوم درب اتاق خواب چوبی و سقف داخل آن از چوب و بالای ساختمان شیروانی و دارای آشپزخانه با کابینت گالوانیزه قدیمی و دیوار آن سیمانی و سقف داخل چوب و دارای حمام با دیوار کاشی و کف سرامیک (فرسوده) با قدمت تقریبی ۴۰ سال میباشد دارای امتیاز آب و برق و گاز و حسب اظهارات متعهد فاقد پروانه و پایان کار و هم چنین فاقد بیمه می باشد. با در نظر گرفتن موقعیت مکانی و نحوه استقرار ملک و میزان مساحت عرصه ملک و ساختمان احداثی که قدیمی و کلنگی است، طبق نظر کارشناسان رسمی منتخب به مبلغ شصت میلیارد ریال معادل شش میلیارد تومان ارزیابی شده است. ملک در تصرف مدیون میباشد. پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۲۰ در اداره ثبت اسناد و املاک چمستان واقع در چمستان بلوار شیخ فضل اله نوری خیابان آموزش - اداره ثبت اسناد و املاک کدپستی ۴۶۴۱۴۵۸۵۸۶ از طریق مزایده به فروش میرسد. مزایده از مبلغ شصت میلیارد ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته میشود. شرکت در مزایده منوط به پرداخت ۱۰ درصد از مبلغ پایه کارشناسی برای مورد مزایده به حساب سپرده ثبت به شماره شبا IR ۴۸۰۱۰۰۰۰۴۰۵۳۰۱۳۲۰۷۵۵۰۳۸۶ و کد شناسه ۹۹۶۱۰۸۵۵۳۱۴۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ نزد بانک ملی و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه الزامی است. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب برق گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول می گردد. ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۸/۵
شناسه آگهی: ۱۸۱۳۷۵۳

عین اله تیموری
رییس اداره ثبت اسناد و املاک چمستان